



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۲۶

حنیف رهیاب رحیمی

سازمان های بین الملل؟

نام های یک تعداد زیاد سازمان های بین المللی را همه ما شنیده ایم و با کارکرد ها و فعالیت های شان آشنایی داریم مثلاً یونیسف (UNICEF) یا صندوق کودکان ملل متحد (United Nations Children's Fund) که برای فراهم کردن غذای اضطراری و خدمات صحتی - درمانی برای کودکان در کشورهایی که در اثر جنگ جهانی دوم تخریب شده بودند، ایجاد شد، کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین یا (UNHCR) و همچنان یونسکو (UNESCO) یعنی سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد، که در سال ۱۹۴۵ تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین المللی در زمینه های آموزشی و علمی و فرهنگی و تربیتی به منظور افزایش احترام به عدالت و قانونیت و حقوق بشر، بر پایه منشور سازمان ملل متحد است.

به همین ترتیب سازمان دیگری هم وجود دارد به نام «سازمان عفو بین الملل».

سازمان عفو بین الملل و یا (Amnesty International) هدف خود را انجام تحقیق و فعالیت برای جلوگیری و خاتمه دادن به نقض حقوق بشر مانند مجازات عادلانه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و شکنجه و غیره اعلام کرده است.

تا دیروز وقتی نام این سازمان را می شنیدم فکر می کردم که یک ارگانیست خیلی با منطق که دارای قواعد و ضوابط خاص حتی بهتر از دیگر سازمان های جهانی به خاطری که سر و کارش با مجرمین و عفو و تطبیق قانون است.

اما با شنیدن خبرهای دو سه هفته پیش تلویزیون های کشور متوجه شدم که کارکنان این سازمان نه تنها مهربان بلکه حتی دلسوز تر و خیلی مهربان تر از دایه هستند. بیچاره ها در غم تروریستان وحشی و انتحاری هایی هستند که تمام روز صدها هموطن نظامی و غیر نظامی ما را سر می برند، با استعمال بم ها و ماین ها تکه تکه می سازند و حتی مریض ها و زخمی های آرمیده در بستر شفاخانه ها به شمول داکتر، نرس و متخصص را با ماشیندار های شان سوراخ سوراخ می سازند، نمازگزاران را در مساجد به گلوله می بندند و با پرتاب بم ها مسجد یعنی خانه خداوند را تخریب می کنند.

به اهتمام ولی احمد نوری

فکر می‌کنم که اگر این سازمان بشردوست و عاشق بالای انسان و انسانیت درین دنیای دون وجود نمی‌داشت، چه کارهای دیگری در سرزمین ما انجام می‌یافت؟ در حال حاضر، انسان‌هایی که به زندگی کردن درین دنیا کوچکترین علاقمندی ندارند و ذره‌ای ارزش برای این جهان و مردمانش قایل نیستند، در سر و زیر خود باروت و ساچمه تخته می‌کنند و در میان صدها انسان زن و مرد و طفل و پیر و جوان خود را می‌ترقاند و به بهشت خیالی و دروغینی که برای شان وعده داده شده رهسپار می‌گردند!

اینها کسانی‌اند که در مورد شان به جرأت می‌توان ادعا کرد که از دایره انسان و انسانیت فرسنگ‌ها فاصله دارند و چنانیکه «نمد» سیاه امکان ندارد سفید شود این افراد هم اصلاح‌پذیر نیستند و یگانه‌راه‌هایی از شر این لکه‌های نجاست از دامن جامعه، از بین برداشتن شان است که بدون شک باعث رفاه و آرامش و اعاده زندگی به دیگران می‌گردد.

حالا نمی‌دانم که سازمان عفو بین‌الملل در مورد شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم ما بهتر می‌داند یا مردم مظلوم و آسیب‌دیده و حکومت برسر اقتدار و محاکم عدلی کشور ما؟

در سال ۲۰۱۶ دوازده حکم اعدام از طرف محاکم در افغانستان صادر شده که صرف یک مورد آن تطبیق گردیده. نمی‌دانم فکاهی است یا حقیقت دارد؟

در سال ۲۰۱۷ شش صد (۶۰۰) حکم اعدام از جانب محاکم افغانستان صادر گردیده اما تنها (۶) حکم آن عملی شده یعنی از جمله ششصد مجرمی که به جرم اعمال وحشیانه و قتل و کشتار زنان، کودکان، افراد بیگانه و اعضای نیروهای امنیتی، بالفعل از میدان جنگ و واقعه دستگیر و پس از طی مراحل حقوقی محکوم به اعدام شده‌اند، در گردن شش نفر شان تناب دار افتاده و بقیه همه در مهمان‌خانه‌های حکومت وحدت ملی سه چاشت نان مکلف زهر مار می‌کنند، پنج وقت نماز می‌خوانند و در تلویزیون سربال‌های ترکی و برنامه ستاره افغان را تماشا می‌کنند.

و با وجود این همه عذوفت بیجای دولت افغانستان که علل گوناگون دارد، چندی پیش سازمان عفو بین‌الملل به مثابه غمخوار و مدافع حقوق تروریستان، طی اعلامیه‌ای از تعدد حکم اعدام در افغانستان اظهار نگرانی نمود. که با شنیدن این خبر فکر کردم فکاهی می‌گویند یا چرندیات؟

کاش کس و یا کسانی که در موقف تصمیم‌گیری‌های این سازمان قرار دارند، اقلای یکبار با اندوه و درد یتیم شدن، بی‌سرپرست شدن، بی‌نان آور شدن، درد بیوه شدن، با جسد بویناک فرزند جوان روبرو شدن، روی عضو خانواده را برای ابد ندیدن و درد جانسوز مادر و پدر را در فراق اولاد آنها در شرایط کشوری چون افغانستان! روبرو شده و با گوشت و پوست شان این سوز را احساس نمایند بعد تصمیم بگیرند که آیا جنایتکاران بی‌مغز و بی‌روح و بی‌وجدانی که در افغانستان دست به حملات انتحاری می‌زنند و یا آنها سازماندهی می‌کنند، اعدام شوند یا برای انجام جنایات بعدی دوباره رها گردند.

با شنیدن فیصله اخیر یک سازمان دیگر بین‌الملل به نام کمیته ضد شکنجه سازمان ملل، که نمی‌دانم این کودک نیم بند چه وقت به دنیا آمده، این بار شک و تردیدی که از سازمان قبلی برایم دست داده بود، به یقین مبدل شد.

این سازمان در چنین شرایط حساس در کشور و بخصوص حوزه جنوب غرب، اعلام نمود که قوماندان امنیه ولایت کندهار، به خاطر داشتن زندان های خصوصی و شکنجه زندانیان، باید به محاکمه کشانیده شود. چه سازمانی و چه فیصله ای. همه مردمانی که در حوالی کندهار بود و باش دارند می دانند که این قوماندان با چه شهامت و از خودگذری علیه طالب و پاکستانی های متعرض بر خاک ما می جنگد و از میهنش دفاع می کند.

ولی به جای تقدیر و تحسین از شجاعت موصوف و سربازانش، خبر محاکمه شدن این جنرال وطنپرست و فداکار از جانب این کمیته صادر می شود.

- ❖ آیا این به آسیاب دشمن آب ریختن نیست؟
- ❖ آیا این فیصله از جانب پاکستان صورت نگرفته؟
- ❖ آیا قبل از صدور این چنین فیصله ها اسناد و مدارک کافی باید جمع آوری نگردد؟
- ❖ و سوالهای متعدد دیگر...

سالها قبل یکی از استادان ما در جریان درس در مورد سازمان ملل متحد می گفت:

این سازمان بسیار فعال است، هیأت های صلح پایین و بالا می دوند، پتکه می کنند، مذاکرات، تحریم ها و غیره اما به شرطی که مناقشه و مشاجره میان دو یا چند کشور کوچک دنیا باشد.

ولی اگر مشکل و مناقشه و مشاجره میان دو کشور بزرگ و مقتدر دنیا باشد، در این صورت سرمنشی این سازمان (در آن وقت اوتانت بود) لب بحر به شکار ماهی می رود.

در آرزوی اتخاذ تصمیم معقول تر و موفقیت های بیشتر این سازمان در آوردن صلح و ثبات در جهان.

پایان بی پایان